

دکتر محمد تقی منشی طوسی  
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد مشهد  
دکتر علی مدرّس  
دانشگاه لس آنجلس  
شماره مقاله : ۵۱۴

## الگوهای سکونتی ایرانیان در ایالات متحد امریکا

M.T. Monshi Toussi, Ph.D  
Islamic Azad University Mashhad  
Ali Modarres, Ph.D.  
Los Angeles University

### Settlement Patterns of Iranians in the U.S.

The united states census in 1990 reports that the number of Iranians living in the U.S. has doubled over the last decade. The Iranian population is mainly composed of three groups of students, their families and the exiles. A significant number of Iranians arrived in the U.S. after 1975 to continue their studies at the university level. Naturally, based on the academic theories of migration and geographic distribution of ethnic groups, they must have had a diffused settlement patterns. However, this expectation did not materialize over a relatively short period of time, Iranian immigrants displayed a large geographic concentration in the Los Angeles metropolitan area and to a smaller degree in Washington D.C and New york metropolitan area. Now, two decades after the Islamic Revolution in Iran, a new generation of Iranians is growing in the U.S. they are a group born to an immigrant parentage who will soon become the core of an ethnic group. Though places like Los Angeles and New york will continue to retain their status as the core of Iranian communities for many years to come, the settlement patterns of this emerging populaton born outside their native home in future depend on (1) the degree to which they adhere to the parents memories and heritage,(2)their integration into the larger American social context where they were born and developed.

## خلاصه

طبق سرشماری سال ۱۹۹۰ آمریکا، شمار ایرانیان مقیم این کشور در طول دهه گذشته دوبرابر شده است. جالب توجه آن است که الگوهای سکوتی ایرانیان مهاجر، با نظریه‌های علمی توزیع گروه‌های قومی متفاوت است. ایرانیان به‌طور کلی به سه گروه دانشجویان، خانواده دانشجویان، و افراد تبعیدی تقسیم می‌شوند. با وجود آن که علت اولیه اقامت اکثر ایرانیان مقیم آمریکا تحصیلات دانشگاهی بوده است و آنان می‌بایستی در نقاط مختلف آمریکا پراکنده باشند، اکثر قریب به اتفاق آنان در دو ناحیه لس آنجلس در جنوب غرب، و واشنگتن و نیویورک در شمال شرق، تمرکز یافته‌اند. گروه اول ایرانیان مقیم آمریکا یعنی دانشجویان، پس از سال ۱۹۷۵ وارد آمریکا شدند، اما در دهه ۱۹۸۰، ورود خانواده آنان و نیز افراد تبعیدی به آمریکا حضور ایرانیان را در نواحی ذکر شده چشمگیرتر کرد. در دو دهه پس از انقلاب اسلامی، نسل جدیدی از ایرانیان در آمریکا در حال رشد است که به زودی تبدیل به جامعه قوی متشکلی خواهد شد. گرچه دو ناحیه ذکر شده تا سال‌ها هسته اصلی جامعه ایرانیان مقیم آمریکا باقی خواهد ماند، الگوهای سکوتی ایرانیان در آینده به دو عامل بستگی خواهد داشت: (۱) پایبندی آنان به میراث فرهنگی اجتماعی سرزمین مادی خود؛ (۲) پیوستن و ادغام نسل جدید این گروه به سرزمین و جامعه‌ای که در آن متولد شده و رشد یافته‌اند.

## مقدمه

سرشماری سال ۱۹۹۰ ایالات متحد نشان می‌دهد که تعداد ۲۲۶۱۲۳ نفر ایرانی در آمریکا زندگی می‌کنند. این رقم بیانگر این واقعیت است که تعداد ایرانیان آمریکا طی ده سال تقریباً دوبرابر شده است. این عده را بیشتر افرادی تشکیل می‌دهند که یا در ایران متولد شده یا در خارج از ایران و در کشوری دیگر به جز ایالات متحد به دنیا آمده‌اند. افزایش تقریباً دوبرابری این عده طی یک دوره کوتاه زمانی و نیز گوناگونی زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی در میان این افراد موجب شده است تا ایرانیان متنوع‌ترین جغرافیای قومی ایالات متحد را پدید آورند.

نظریه‌های علمی در مورد پراکندگی جغرافیایی گروه‌های قومی گوناگون و تغییرات پدیدآمده در طی زمان، از دیرباز بر عواملی چون مهاجرت زنجیره‌ای، مبدأ ورودی، فرایند

جذب اقتصاد قومی، و شرکت در بازار کار متمرکز بوده است. براساس این نظریه‌ها، چون شمار عمده‌ای از ایرانیان پس از سال ۱۹۷۵ به ایالات متحد آمریکا وارد شده‌اند و عامل اصلی در پراکندگی و سکونت اولیه آنان در آمریکا تحصیلات عالی بوده است، بایستی با سرعت بالایی در جامعه آمریکا ادغام شده و الگوی سکونت پراکنده‌ای را به وجود آورده باشند. درحالی‌که چنین باوری در عمل تحقق نیافته و ایرانیان مهاجر در سه نقطه متمرکز شده‌اند. نخست در ناحیه لس‌آنجلس که گروه وسیعی از ایرانیان را در خود جای داده و سپس در مقیاسی کوچکتر در پایتخت، یعنی واشنگتن دی.سی Washington D.C و نیز ناحیه نیویورک تمرکز یافته‌اند.

در این مقاله تلاش شده است تا نشان داده شود الگوی سکونت ایرانیان مهاجر تنها با در نظر گرفتن شرایط گسترده‌تر الگوی مهاجرتی آنان که به طور سنتی شامل سه گروه دانشجویان، خانواده‌های آنان و افراد مهاجر می‌شود، قابل بررسی و درک است. این عده به طور عمده طی مدت کوتاهی به ایالات متحد آمریکا وارد شده‌اند. گروه اول یعنی دانشجویان در اکثر ایالت‌ها هسته اصلی جوامع ایرانی را تشکیل می‌دهند. در دهه ۱۹۸۰ ورود خانواده‌های دانشجویان و نیز افراد مهاجر به آمریکا حضور جوامع ایرانی را در سه ناحیه یادشده چشمگیرتر کرد. بدین ترتیب، درحالی‌که مهاجران سال‌های دهه ۱۹۷۰ را جوانانی تشکیل می‌دادند که عمدتاً در شهرهای دانشگاهی عمده سکونت داشتند، در سال‌های دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، تمرکز و گسترش جغرافیایی جوامع ایرانی به دلایلی چون مهاجرت خانواده‌های دانشجویان، جستجوی آنان برای دستیابی به امکانات شغلی و اقتصادی، و نیز نیروی بالقوه اقتصادی آنان شکل گرفت. رشد فزاینده جوامع ایرانی در چندین ناحیه به خصوص، شتاب کمتری داشت. افزایش شمار افراد بازنشسته در میان ایرانیان مهاجر از سال ۱۹۸۰ به بعد، سبب شد تا بازاری کارآمد برای فعالیت در زمینه‌های روبه‌رشد اقتصاد قومی ایجاد شود و در نتیجه ایرانیان در مناطقی خاص بیشتر متمرکز شوند. گرچه فعالیت‌های اقتصادی ایرانیان تنها برای پاسخگویی به نیازهای دیگر ایرانیان مهاجر نیست، اطلاعات انتشار یافته از سال ۱۹۸۱ به بعد نشان می‌دهد که این نوع فعالیت‌ها در جنوب کالیفرنیا، که دارای بیشترین تمرکز منطقه‌ای ایرانیان است، رونق چشمگیری دارد. بررسی مسایل پیچیده مرتبط با شمار فراوان ایرانیان مهاجر نیازمند تحلیلی دقیق از توزیع مکانی آنان و نیز جغرافیای قومی حاصل است. مقاله حاضر به بررسی شواهد و

تحلیل ابعاد تاریخی مهاجرت ایرانیان به امریکا و نیز الگوهای سکوتی آنان در این کشور می‌پردازد.

### زمینه تاریخی

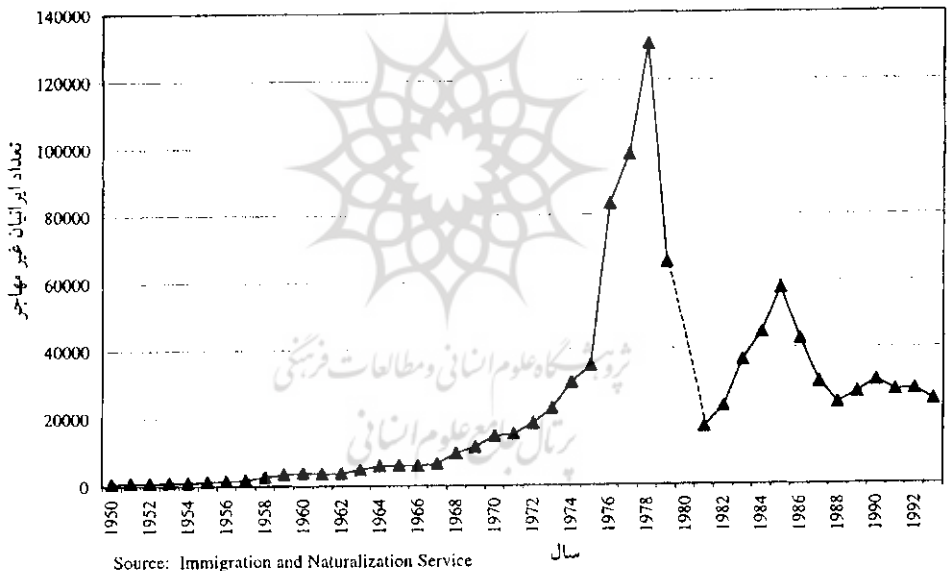
علاقه ایرانیان به مهاجرت به ایالات متحد به سال‌های پس از جنگ دوم جهانی باز می‌گردد. در آن زمان به رغم روابط نه چندان صمیمانه میان دو کشور در دوره‌های گوناگون، از جمله دوره ریاست جمهوری جان اف‌کندی، ایرانیان به‌صورتی فزاینده به امریکا مهاجرت کردند. در سال ۱۹۶۰ شمار ایرانیانی که به‌صورت گردشگر از امریکا دیدار کردند ۱۰۰۰ نفر بود. اما ۶ سال بعد یعنی سال ۱۹۶۶، شمار ایرانیان مهاجر\* به این رقم رسید. افزایش سریع شمار ایرانیان غیرمهاجر\*\* که عده زیادی از آنان دانشجوی بودند (در سال ۱۹۷۲ دانشجویان ۱۸ درصد ایرانیان غیرمهاجر را تشکیل می‌دادند) بیانگر چگونگی افزایش آمار ایرانیان مهاجر به ایالات متحد امریکاست. چراکه این عده پس از اتمام دوره اقامت موقت تصمیم به اقامت دائم در امریکا گرفتند.

شکل ۱ نشانگر افزایش شمار ایرانیان غیرمهاجر در دهه ۱۹۶۰ است. این رشد اوایل کند بود اما در سال‌های پایانی، یعنی زمانی که شمار کل غیرمهاجران ایرانی به رقم ۱۰۰۰۰ نزدیک شد شتاب بالایی گرفت. از بُعد تاریخی، دهه ۶۰ را می‌توان دهه افزایش شمار غیرمهاجران و دهه ۷۰ را دهه بالارفتن تعداد مهاجران ایرانی در ایالات متحد دانست. درحالی‌که در سال‌های دهه ۱۹۵۰ تنها ۱۴۱۸۳ نفر ایرانی غیرمهاجر و ۲۷۳۰ ایرانی مهاجر به امریکا وارد شده بودند،

\* مهاجر به فرد بیگانه‌ای گفته می‌شود که اجازه اقامت قانونی دائم به امریکا یافته‌است. این اجازه ممکن است از طریق صدور ویزای مهاجرت در سفارتخانه‌های امریکا در خارج از ایالات متحد صادر شود یا آن‌که با تغییر وضعیت اقامت به وسیله اداره مهاجرت و تابعیت در امریکا به شخص داده‌شود.

\*\* غیرمهاجر به فرد بیگانه‌ای اطلاق می‌شود که به‌صورت موقت و به علت خاصی در امریکا اقامت دارد. برای صدور مجوز اقامت موقت (در سطح مختلف) فرد غیرمهاجر باید اجازه اقامت دائم در کشوری دیگر داشته و صلاحیت‌های لازم را دارا باشد. سطوح مختلف افراد غیرمهاجر عبارتند از: مقام‌های دولتی کشورهای بیگانه، گردشگران و بازرگانان، افرادی که برای رفتن به کشوری دیگر از خاک ایالات متحد امریکا گذر می‌کنند، دانشجویان نمایندگی سیاسی دولت‌های دیگر، کارگران و کارورزان موقت، نمایندگان خبرگزاری‌های خارجی، و افراد دیگری که با توجه به قراردادهای بین امریکا و دولت‌های دیگر به علل مختلف برای مدتی در امریکا اقامت می‌کنند.

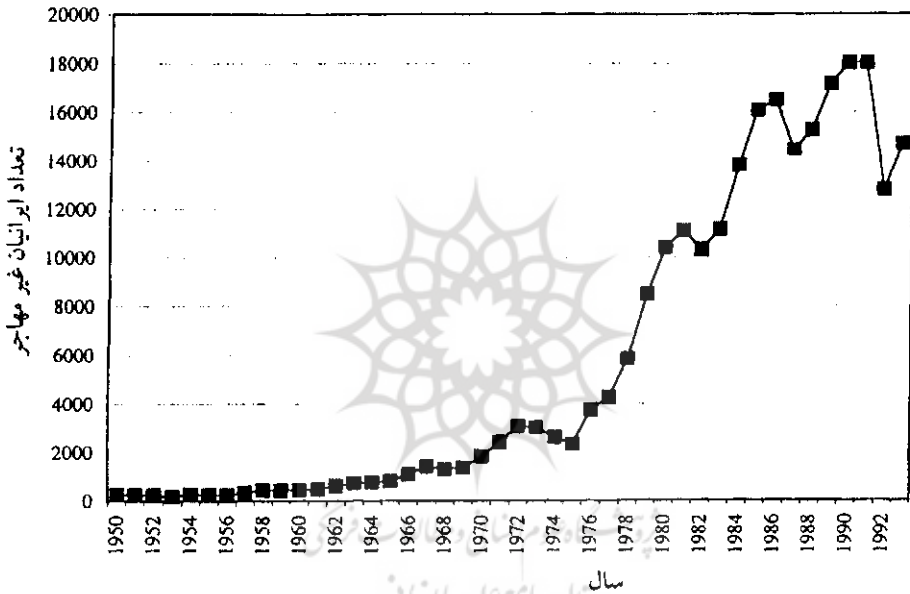
از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۹ این رقم به ترتیب به ۶۰۱۷۹ و ۸۸۹۵ نفر رسید. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ تعداد ایرانیان غیرمهاجر به ۵۱۳۰۲۳ نفر و تعداد مهاجران به ۳۷۵۶۷ نفر رسید. در حالی که شمار غیرمهاجران پس از انقلاب اسلامی ایران به صورت قابل درکی کاهش یافت، شمار مهاجران در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۹ به رقم ۱۳۶۲۰۲ نفر بالغ شد (بنگرید به شکل ۲). بسیاری از این مهاجران نخست به صورت غیرمهاجر، به ویژه به صورت دانشجوی وارد آمریکا شده، و پس از چند سال نحوه اقامت خود را تغییر داده بودند. برای مثال از میان ۱۸۰۳۱ مهاجر ایرانی در سال ۱۹۹۰، ۶۸/۱٪ آنان ابتدا به صورت غیرمهاجر به آمریکا آمده بودند. این مسأله با روند کلی حاکم بر سال‌های دهه ۱۹۸۰ نیز همخوانی دارد.



شکل ۱ ایرانیان غیرمهاجر

رشد شمار مهاجران و غیرمهاجران ایرانی پس از سال‌های دهه ۱۹۶۰ را می‌توان با تحولات و شرایط سیاسی - اجتماعی ایران و نیز بهبود سطح زندگی شمار فزاینده‌ای از افراد طبقه متوسط مرتبط دانست. برای مثال در سال‌های دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ شمار فراوانی از ایرانیان به غرب سفر کردند و خانواده‌های بسیاری فرزندان خود را برای تحصیلات عالی به کشورهای

غربی فرستادند. این کار در گذشته تنها به خانواده‌های مرفه و به نظامیان منحصر می‌شد. افزون بر این، مسایل سیاسی و ناآرامی‌های دانشجویی در سال‌های دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در ایران افزایش یافت، و دانشگاه‌های ایران توان پذیرش شمارو به افزایش دانش‌آموختگان دبیرستان‌ها را نداشتند. و بدین ترتیب تعداد بسیاری از آنان رفتن به غرب را چاره مناسبی برای این مشکل دانستند.

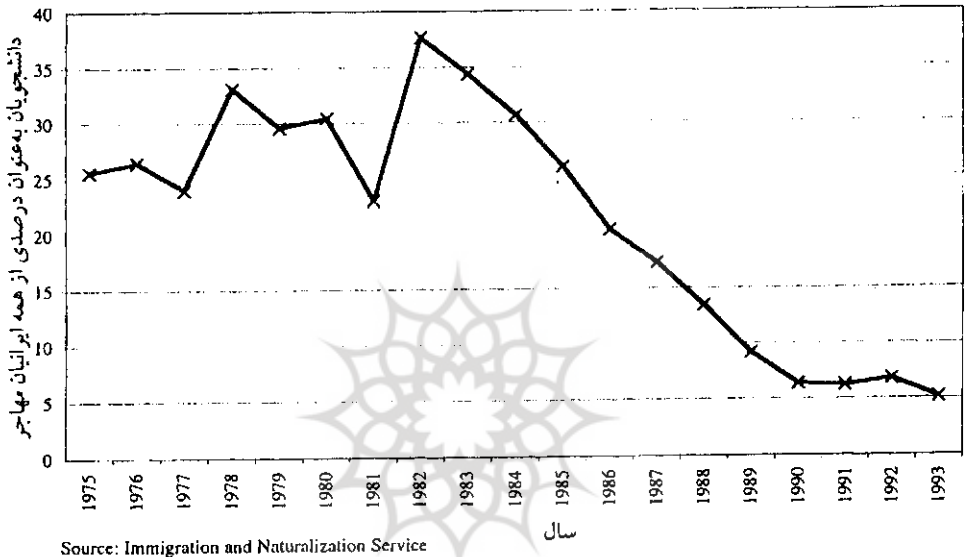


Source: Immigration and Naturalization Service

شکل ۲ ایرانیان مهاجر

گرچه آلمان غربی، انگلستان، و فرانسه در گذشته بخش وسیعی از جمعیت دانشجویی ایران را جذب کرده بودند، در سال‌های دهه ۱۹۶۰، سهم آمریکا در پذیرش این افراد از دیگر کشورهای غربی فزونی گرفت. برای مثال، درحالی‌که آلمان غربی نزدیک به ۳۰۰۰ دانشجوی ایرانی را در ۱۹۶۱، و تقریباً همین تعداد را در ۱۹۷۱ (به ترتیب ۲۹۹۱ و ۲۹۶۱ نفر) در دانشگاه‌های خود جای داد، سهم آمریکا از این عده در همان دوره از ۲۹۴۳ نفر به ۶۷۷۱ نفر رسید. فرانسه و انگلستان دو کشور غربی دیگر که پذیرای دانشجویان ایرانی بودند در سال

۱۹۷۳ به ترتیب ۱۴۹۲ و ۸۷۱ نفر را در دانشگاه‌های خود پذیرفتند، اما در همان سال آمریکا ۹۶۲۳ نفر دانشجوی ایرانی را در دانشگاه‌های خود جذب کرد. این دانشجویان بخش وسیعی از افراد غیر مهاجر و سپس مهاجر را تشکیل دادند (بنگرید به شکل ۳).



شکل ۳ درصد سالانه ایرانیان مهاجر که از ابتدا برای تحصیل وارد آمریکا شده بودند

با توجه به ماهیت جریان مهاجرت ایرانیان به آمریکا می‌توان استدلال کرد که مهاجران ایرانی را عمدتاً افراد دارای تحصیلات عالی تشکیل می‌دهند که پس از فراغت از تحصیل به دلایل اقتصادی یا سیاسی در آمریکا ماندگار شدند. برای مثال، در طول سال‌های ۷۵ - ۱۹۷۰، ۲۸/۱٪ ایرانیان مهاجر دارای تخصص‌های مختلف بودند که از آن میان بزرگترین گروه را پزشکان و جراحان، یعنی (۹/۵٪) کل مهاجران تشکیل می‌دادند. از میان کل ایرانیان مهاجر که کمتر از یک درصد کل شمار مهاجران به ایالات متحد را تشکیل می‌دادند، پزشکان، پرستاران، و مهندسان ایرانی ۴/۲٪ تمامی پذیرفته‌شدگانی هستند که بین سال‌های ۷۵ - ۱۹۷۰ از ملیت‌های مختلف در این گروه‌های شغلی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. شاخص‌هایی از این نوع بیانگر پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی است که اکثریت ایرانیان در پی آن بودند (یا به دست

آورده بودند). در واقع مبنای مطالعه جامعه ایرانی در ایالات متحد آمریکا دستاورد تحصیلی و موقعیت حرفه‌ای - تخصصی این گروه است. بنا به گزارش بزرگمهر و صباغ (۱۹۸۸) براساس سرشماری سال ۱۹۸۰، ۲۳٪ ایرانیان مهاجر دارای تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی ارشد یا دکترا بودند که در مقایسه با رقم ۱۲/۵٪ در میان دیگر مهاجران خارجی و ۷/۵٪ در کل جمعیت آمریکا چشمگیر است. بزرگمهر همچنین اظهار می‌دارد که شمار دانش‌آموختگان دانشگاهی در دوره کارشناسی و بالاتر از ۵۴/۱٪ در سال ۱۹۸۰ به ۶۳/۴٪ در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است. چنین سطح بالای تحصیلات از ویژگی‌های بارز جمعیتی مهاجران ایرانی در ایالات متحد آمریکا است که با ورود دانشجویان آغاز شده و سپس با پیوستن تعداد زیادی افراد متخصص و دانش‌آموخته از ایران به آنان، شکل گرفته است.

افزایش شمار مهاجران در سال ۱۹۷۵، با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ شتاب بیشتری یافت. آمارها نشان می‌دهد شمار ایرانیان غیرمهاجر در ایالات متحد آمریکا در سال ۱۹۸۱ به اوج خود رسید. پس از انقلاب، مهاجرت به دیگر نقاط دنیا برای ایرانیان دشوار شد و مهاجرت آنان به آمریکا پس از بحران گروگان‌گیری تقریباً ناممکن گردید. از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهد که شمار مهاجران به آمریکا در واقع در سال‌های میانی دهه ۱۹۸۰ دوباره افزایش یافت و به اوج دوباره‌ای رسید. این افزایش تا سال‌ها بعد یعنی سال ۱۹۹۰ همچنان ادامه یافت. علت افزایش مزبور را می‌توان ناشی از این واقعیت دانست که مهاجران شامل دو گروه تازه‌واردها و نیز افرادی می‌شدند که از غیرمهاجر به مهاجر تغییر وضعیت داده بودند. مدرّس (۱۹۸۰) در تحلیلی نشان می‌دهد که اگر شمار کل مهاجران ایرانی به دو دسته تازه‌واردها و تغییر وضعیت داده‌ها تقسیم شود، خواهیم دید که اکثریت مهاجران ایرانی پس از ۱۹۸۰ در دسته دوم جای می‌گیرند. این روند از سال ۱۹۷۷ یعنی زمانی آغاز شد که بسیاری از دانشجویان و غیرمهاجران دیگر ترجیح دادند به جای بازگشت به کشوری که درگیر جریان‌ها و بلواهای سیاسی و به دنبال آن جنگی طولانی بود، در ایالات متحد آمریکا بمانند.

در واقع، اوج‌گیری شمار ایرانیان غیرمهاجر در سال‌های پس از ۱۹۷۵ را که به شمار فزاینده مهاجران همراه شد، می‌توان دوره اصلی مهاجرت ایرانیان به آمریکا شمرد. از لحاظ آماری، مدارک اداره خدمات مهاجرت و تابعیت آمریکا نشان می‌دهد که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۳ تعداد



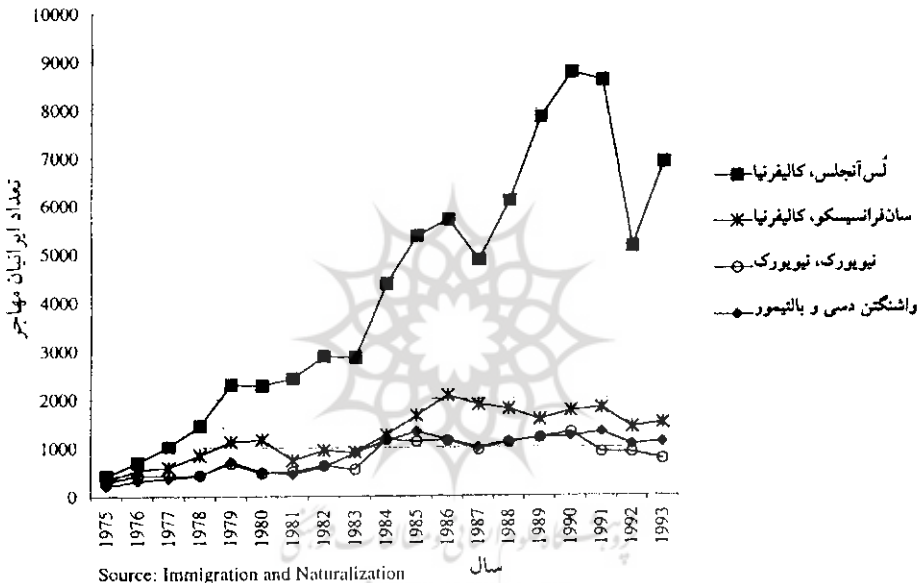
کل ایرانیان که به آمریکا مهاجرت کرده‌اند ۲۴۸۹۵۲ نفر است. از این تعداد ۲۲۴۴۵۶ نفر یعنی ۹۰/۲٪ آن پس از سال ۱۹۷۵ وارد آمریکا شده‌اند. لذا، با توجه به اهمیت تاریخی سال ۱۹۷۵ در روند مهاجرت ایرانیان به آمریکا، این مقاله به مهاجرت‌های پس از این تاریخ و نیز الگوهای جغرافیایی پس از آن خواهد پرداخت.

### توزیع جغرافیایی

دست‌کم دو منبع اطلاعاتی وجود دارد که براساس آن‌ها می‌توان دامنه تمرکز منطقه‌ای ایرانیان را در آمریکا مورد بررسی قرار داد. این دو منبع عبارتند از: اطلاعات سالانه مهاجرت که اداره خدمات مهاجرت و تابعیت آمریکا آن را منتشر می‌کند. دیگری اطلاعات ده سالانه است که از طریق اداره سرشماری آمریکا جمع‌آوری و انتشار می‌یابد. در این مقاله از هر دوی این منابع استفاده شده است. با این حال لازم است به این نکته توجه شود که به علت تفاوت در هدف و تعریف، تخمین‌ها در مورد شمار ایرانیان در ایالات متحد در این دو منبع اطلاعاتی یکسان نیست. در حالی که اداره خدمات مهاجرت و تابعیت برعامل مهاجرت تأکید دارد، برای اداره سرشماری آمریکا اطلاعات مربوط به وضعیت افرادی که در خارج از آمریکا متولد شده‌اند و نیز چگونگی وضعیت اقامت پدران و مادران آن‌ها اهمیت دارد. برای رسیدن به یک عامل مشترک در این دو منبع اطلاعاتی، مقاله حاضر به ایرانیان مهاجر می‌پردازد و درباره آن عده که در آمریکا یا هر نقطه دیگری به جز ایران از والدین ایرانی متولد شده‌اند بحثی نخواهد بود؛ گرچه به نظر می‌آید چنین تعریفی در مورد جامعه ایرانی ناقص باشد. با توجه به آمارهای پایه‌ای اداره خدمات مهاجرت و تابعیت که تعداد ایرانیان وارد شده به ایالات متحد را در بین سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۳، ۲۲۴۴۵۶ نفر می‌داند، می‌بینیم که این آمارها تا حد زیادی به آمار کل جامعه ایرانی در آمریکا نزدیک است. در واقع، آمارهای به دست آمده از اداره سرشماری نیز رقم ۲۲۶۱۲۲ مهاجر ایرانی را نشان می‌دهد که تا حد زیادی با ارقام اداره خدمات مهاجرت و تابعیت برابری می‌کند. با این حال، اداره سرشماری از ۵۸۸۴۸ نفر ایرانی تبار یاد می‌کند که در ایران متولد نشده‌اند. این عده را عمدتاً کودکانی تشکیل می‌دهند که از پدر و مادری ایرانی در آمریکا یا کشوری دیگر تولد یافته‌اند (به عبارت دیگر، ۲۰/۷٪ تمامی

ایرانیان ساکن در امریکا، در این کشور متولد شده‌اند و در نتیجه مهاجر محسوب نمی‌شوند). از میان ۲۲۴۴۵۶ ایرانی وارد شده به امریکا در سال‌های ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۳، بیشتر از یک سوم در ناحیه وسیع لس آنجلس اقامت گزیده‌اند که به لحاظ تعداد از ساکنان دیگر مراکز تجمع ایرانیان یعنی سان فرانسیسکو، نیویورک، واشنگتن دی.سی و بالتیمور بسیار بیشتر هستند. اطلاعات منتشر شده از سوی دو منبع یادشده نشان می‌دهد که ایرانیان، بیشتر علاقه‌مند بوده‌اند تا در این چهار ناحیه اقامت‌گزینند (بنگرید به شکل ۴). این آمارها حاکی است که تفاوت بین شمار ایرانیان مهاجر ساکن در این چهار ناحیه به سال ۱۹۷۵ در کمترین حد خود است. در ۱۹۷۹ سهم لس آنجلس دو برابر دومین مرکز تجمع ایرانیان یعنی سان فرانسیسکو است. تا سال ۱۹۸۳ جذب ایرانیان در لس آنجلس ادامه یافت و تقریباً  $\frac{1}{4}$  تمامی ایرانیان مقیم امریکا در این شهر ساکن شدند. پس از این سال، مهاجرت ایرانیان به این ناحیه حتی شدیدتر شد و تا سال ۱۹۹۰ نیمی از کل ایرانیان مهاجر در این شهر سکنا گزیده بودند. براساس اطلاعات اداره خدمات مهاجرت و تابعیت امریکا، پس از سال ۱۹۷۸، کالیفرنیا، به‌ویژه ناحیه لس آنجلس، جایگاه شمار فزاینده ایرانیان غیردانشجو در ایالات متحد امریکا شد. آمارها همچنین نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۷۵، این ایالت نیمی از تمامی ایرانیان مهاجر (یعنی ۱۰۸۵۷۲ نفر) را در خود جای داده‌است. این رقم شامل ایرانیانی نمی‌شود که در ۲۰ سال گذشته از دیگر نقاط امریکا به لس آنجلس کوچ کرده‌اند. در واقع عواملی چون افزایش جابه‌جایی ایرانیان مسن‌تر، پایان تحصیلات دانشگاهی دانشجویان و جستجو برای کار، تجمع خانوادگی و حس پیوستگی به جامعه ایرانیان، سبب شده‌است که شمار فراوانی از ایرانیان، به سکونت در ناحیه لس آنجلس علاقه‌مند شوند. از میان نواحی موردعلاقه برای اقامت تازه‌واردهای ایرانی و نیز آن‌ها که نحوه اقامت خود را تغییر داده و به مهاجر تبدیل شده‌اند، بیشترین ناحیه‌ها در منطقه وسیع لس آنجلس واقع شده‌است. برای مثال در فهرست کلی نواحی سکونت ایرانیان، ۱۵ ناحیه اول که هریک بیش از ۱۰۰۰ ایرانی مهاجر را بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ در خود جای داده‌است، ۱۴ ناحیه در بخش لس آنجلس و تنها یک ناحیه در نیویورک جای دارد. تعدادی از ۱۴ ناحیه وسیع لس آنجلس عبارتند از: رسیدا Reseda، انسینو Encino، ترزانا Tarzana، گلندل Glendale، ساتامونیکا Santa Monica، بورلی هیلز Beverly Hills و

لس آنجلس غربی West Los Angeles که همه آن‌ها وضعیت اقتصادی - اجتماعی خوب و تراکم جمعیتی بالا دارند. با توجه به اکثریت وسیع جمعیت ایرانی که از شهرهای بزرگ ایران به آمریکا کوچ کرده‌اند، و نیز فرهنگ ایرانی که شهرنشینی را برخلاف دیدگاه غالب در آمریکا از دید منفی نمی‌نگرد تمایل ایرانیان به سکونت در نواحی پرجمعیت شهری شگفت‌آور نیست.



Source: Immigration and Naturalization

شکل ۴ نواحی مورد علاقه سکونت ایرانیان

در خلال دوره ده‌ساله ۹۳ - ۱۹۸۳، ایرانیان از ۷۱۹۴ ناحیه مختلف به عنوان محل اقامت خود یاد می‌کنند. در حالی که چنین شمار بالایی از توزیع مکانی گسترده‌ای حکایت می‌کند، ۵۲٪ ایرانیان زیر مجموعه‌ای شامل ۲۶۴ ناحیه را مشخص می‌کنند که تا سال ۱۹۹۳ در هریک از آن‌ها بیش از ۱۰۰ ایرانی مهاجر سکونت داشتند. این تمرکز فشرده، زمانی مشخص‌تر می‌شود که شخص درمی‌یابد در خلال همین دوره ۱۷٪ ایرانیان، تنها در ۱۵ ناحیه سکونت داشتند و هریک از این نواحی تا سال ۱۹۹۳، بیش از ۱۰۰۰ ایرانی را در خود جای داده‌بود. این شمار

اندک، تشکیل دهنده هسته اصلی جامعه ایرانی در ایالات متحد است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، از این تعداد ۱۴ ناحیه در بخش لس آنجلس واقع است. با این حال، این نواحی را نمی‌توان محله‌های سنتی / قومی به حساب آورد. در سال ۱۹۹۰، متوسط درآمد سرانه در این ۱۵ ناحیه به ۲۷۹۹۸ دلار رسید که تقریباً دوبرابر درآمد سرانه کل جمعیت امریکا و ۱۱۸۴۹ دلار بالاتر از متوسط سرانه بخش لس آنجلس است. براساس داده‌های اداره سرشماری امریکا در این نواحی:

- تمرکز جمعیت به‌طور نسبی بالاست (مجموع جمعیت ۱۵ ناحیه ۴۷۲۵۴ نفر است).
- اقلیت‌های قومی حضور چشمگیری ندارند (اداره سرشماری ۷۸٪ جمعیت را سفیدپوست گزارش کرده است).

- سطح تحصیلات بالاست (در میان افراد ۲۵ سال و بالاتر، ۳۷٪ دارای تحصیلات دانشگاهی در سطح کارشناسی و بالاتر هستند).

- درآمد میانه خانواده‌ها بین ۲۴۱۲۷ تا ۹۷۹۷۲ دلار است.

- ارزش میانه خانه‌های مسکونی به رقمی بالاتر از ۵۰۰۰۰۰ دلار می‌رسد.

از داده‌های بالا می‌توان نتیجه گرفت که هسته اصلی جامعه ایرانی، در برخی از محله‌های شهرهای لس آنجلس و نیویورک قرار دارد که دارای بهترین امکانات شهرنشینی هستند. این محله‌ها در زمره نقاطی به حساب می‌آیند که امکانات رفاهی مطلوبی دارند و میانه سال ساخت واحدهای مسکونی آن‌ها بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۴ است.

درحالی‌که به نظر می‌آید جامعه ایرانیان مقیم امریکا به‌طور عمده در کالیفرنیا، به‌ویژه در بخش بزرگ لس آنجلس متمرکز شده است، باید توجه داشت که حاشیه سواحل اقیانوس اطلس، ناحیه‌ای که از واشنگتن دی.سی آغاز می‌شود و تا بوستون ادامه می‌یابد، طی دو دهه اخیر شمار وسیعی از ایرانیان را به خود جلب کرده است. براساس داده‌های اداره خدمات مهاجرت و تابعیت، شش ناحیه در این قسمت (به جز هارتفورد Hartford در ایالت کانکتیکت Connecticut) ۴۴۷۷۲ نفر مهاجر ایرانی را جذب کرده است که ۳۳/۲٪ این جمعیت در نیویورک به سر می‌برند. درحالی‌که جامعه ایرانی ساکن در سواحل شرقی، به‌صورتی چشمگیر کوچک‌تر از تجمع آنان در کالیفرنیا است، از آن‌جا که دومین جامعه با ثبات منطقه‌ای ایرانیان در ایالات متحد به حساب می‌آید، دارای اهمیت بالایی است.

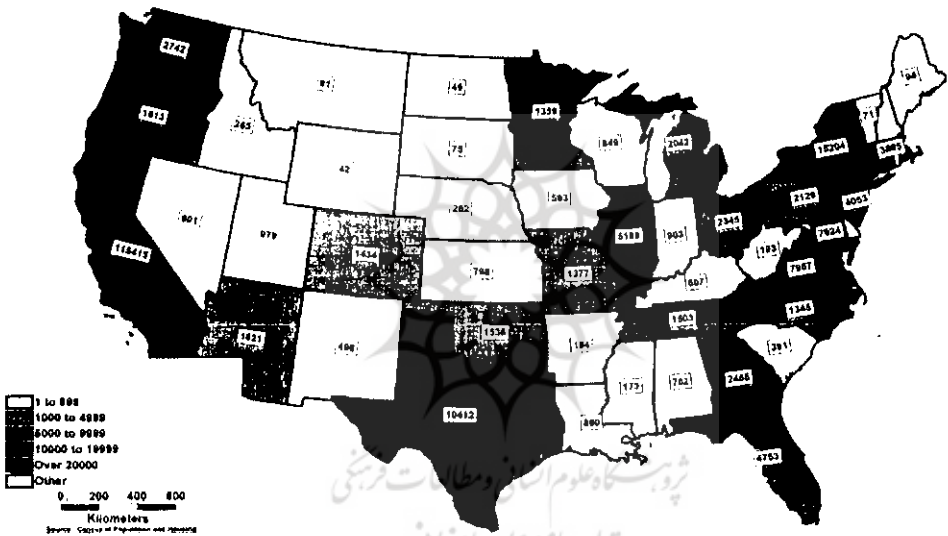
در حالی که داده‌های اداره مهاجرت و تابعیت آمریکا، مدخل‌های ورودی ایرانیان به آمریکا را مشخص می‌کند، برای بررسی میزان جابه‌جایی آنان در داخل ایالات متحد طی دو دهه گذشته و چگونگی تأثیر آن بر نقاط تمرکز این افراد در کشور، باید از داده‌های ده سالانه اداره سرشماری سود جست. این داده‌ها برای ارزیابی صحیح دامنه و الگوهای پراکندگی ایرانیان در ایالات متحد ضروری است. برای هماهنگی میان داده‌های اداره‌های مهاجرت و تابعیت و سرشماری ایالات متحد آمریکا، تنها اطلاعات مربوط به آن عده از ایرانیانی که در ایران متولد شده‌بودند از مجموعه داده‌های موجود درباره سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ استخراج شد. سپس این داده‌ها برای هر ایالت گروه‌بندی و تحلیل شد. براساس این داده‌ها، در سال ۱۹۸۰ تعداد ایرانیان مهاجر که در ایران متولد شده‌بودند، ۱۰۸۹۴۹ نفر بود که تا سال ۱۹۹۰ به دوبرابر یعنی ۲۱۰۹۴۱ نفر افزایش یافت. در خلال این دوره سهم کالیفرنیا در پذیرش مهاجران ایرانی از ۲۸۳۸۴ نفر به



شکل ۵ نواحی موردعلاقه سکونت ایرانیان بین سال‌های ۹۳-۷۵

۱۱۵۴۱۵ نفر فزونی یافت. مقایسه این رقم با آمار منتشر شده توسط اداره خدمات مهاجرت و تابعیت در مورد شمار ایرانیانی که در دهه ۱۹۸۰ از دیگر ایالت‌های کالیفرنیا کوچ کرده‌بودند اطلاعات جالبی به دست می‌دهد (بنگرید به شکل ۵).

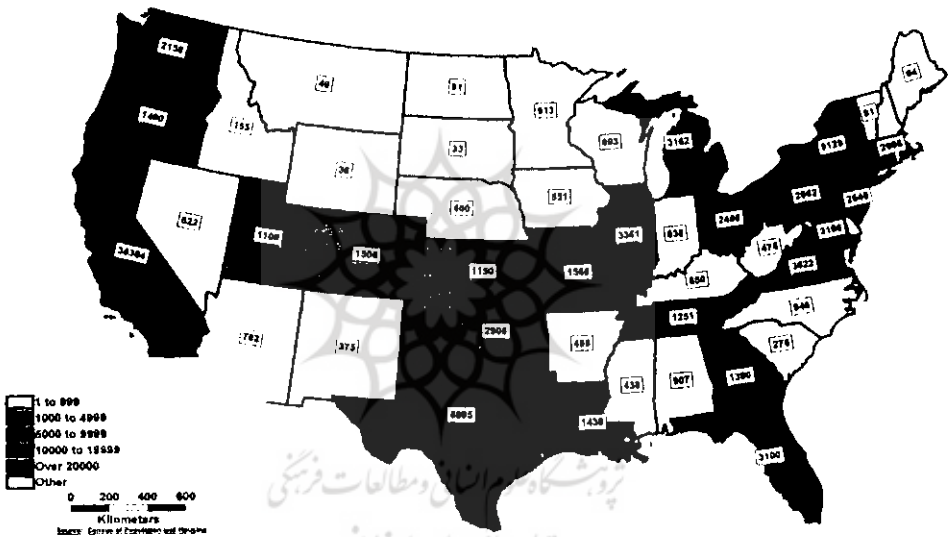
پراکندگی مکانی ایرانیان در ایالت‌های مختلف در شکل ۶ نشان داده شده است. در سال ۱۹۹۰ همچون ۱۹۸۰ (شکل ۷)، سه ایالت کالیفرنیا، نیویورک و تگزاس سه ناحیه عمده تجمع ایرانیان است و ایالت‌های ویرجینیا Virginia، مریلند Maryland، و ایلی نویز Illinois در مرتبه‌های بعدی هستند. این ایالت‌ها به صورتی پیوسته جوامع ایرانیان مهاجر را در خود جای داده‌اند و بدین ترتیب از بُعد تاریخی به رشد تجمع‌های قومی تحرک بخشیده‌اند. این داده‌ها به خوبی نشان می‌دهد که ایرانیان در بیشتر ایالت‌های غرب میانه حضور چشمگیری ندارند.



شکل ۶ جمعیت ایرانیان متولد خارج از ایران در سال ۱۹۹۰

نقشه تغییرات جمعیتی ایرانیان مهاجر از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ (شکل ۸) به خوبی نشان می‌دهد که جوامع ایرانی در دو کرانه ساحلی ایالات متحده آمریکا رشد داشته است. در خلال دهه ۱۹۸۰ ایالت‌هایی چون فلوریدا Florida، جورجیا Georgia، ویرجینیا، مریلند، نیوجرسی New Jersey، ماساچوست Massachusetts، ایلی نویز، تگزاس Texas و به ویژه کالیفرنیا شمار وسیعی از ایرانیان متولد خارج را در خود جای دادند؛ درحالی که در ایالت‌هایی چون اکلاهما Oklahoma، لوئیزیانا Louisiana، و میشیگان Michigan شمار ایرانیان کاهش یافت. این مسأله به یک واقعیت مهم

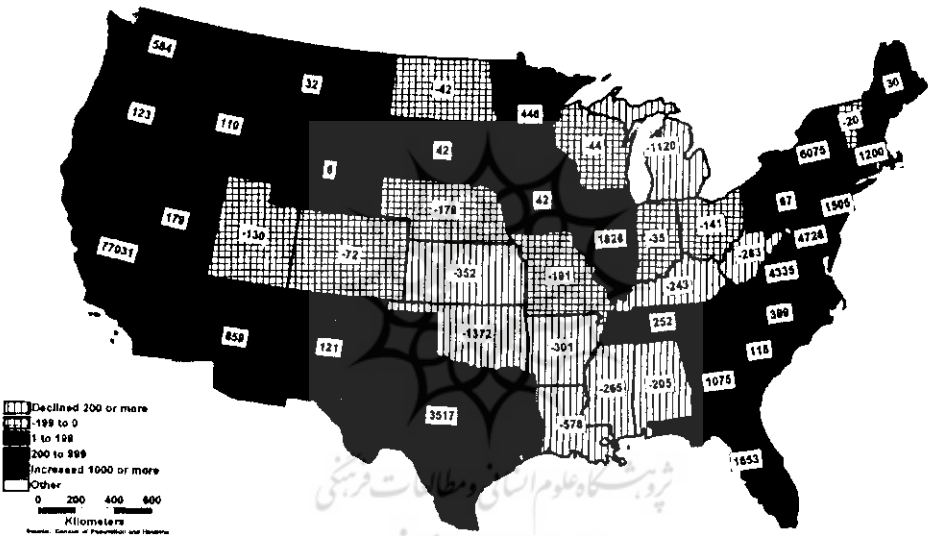
جغرافیایی اشاره دارد: در ۱۹۸۰ ایرانیان در نواحی دارای کالج‌ها و دانشگاه‌های عمده با دوره‌های کارشناسی چهارساله زندگی می‌کردند. از این‌رو آنان در بیشتر ایالت‌ها پراکنده بودند. به نظر می‌آید این عده پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در غرب میانه و جنوب، به ایالت‌های دیگر رفتند و در چند ناحیه شهری بزرگ یعنی مراکز تجمع بزرگ‌تر ایرانیان، به خانواده‌ها و دوستانشان پیوستند. ترکیب مهاجران داخلی و افرادی که از خارج به آمریکا وارد می‌شدند الگوهای جغرافیایی جدیدی را پدید آورد که در گذشته وجود نداشت.



شکل ۷ جمعیت ایرانیان متولد خارج از کشور در ۱۹۸۰

آنچه در پراکندگی مکانی تازه ایرانیان در ۱۹۹۰ اهمیت دارد، مسأله میزان و جهت‌های مهاجرت داخلی است، به عبارت دیگر، درحالی‌که داده‌های اداره مهاجرت و تابعیت حکایت از مقصدهای هدف‌دار ایرانیان مهاجر می‌کند، مطالعه میزان مهاجرت بین منطقه‌ای نیازمند بهره‌گیری از سایر منابع اطلاعاتی است (برای مثال داده‌های اداره سرشماری). گرچه محاسبه دقیق این رقم، موردنظر مقاله حاضر نیست، رقم تقریبی آن را می‌توان با بررسی تفاوت شمار ایرانیان ساکن در هر ایالت در سال ۱۹۹۰ پیش از سال ۱۹۸۰ به آمریکا مهاجرت کرده‌بودند، با

شمار واقعی ایرانیان مهاجر، طبق آمارهای سال ۱۹۸۰ اداره سرشماری، به دست آورد. این تفاوت می‌تواند جهت جابه‌جایی منطقه‌ای ایرانیان را نشان دهد. تفاوت مثبت، نشانگر ورود ایرانیانی است که به سایر مناطق کشور کوچ کرده‌اند و تفاوت منفی، بیانگر کاهش شمار جمعیت ایرانیان ناحیه است. از آنجاکه هر ایالت توان اسکان دادن شمار فراوانی از جامعه ایرانی را دارد که عمدتاً پس از سال ۱۹۸۰ به امریکا آمده‌اند، لذا ارزش منفی در ارقام به این معنی نیست که دیگر ایرانیان در آن ایالت سکنا ندارند.

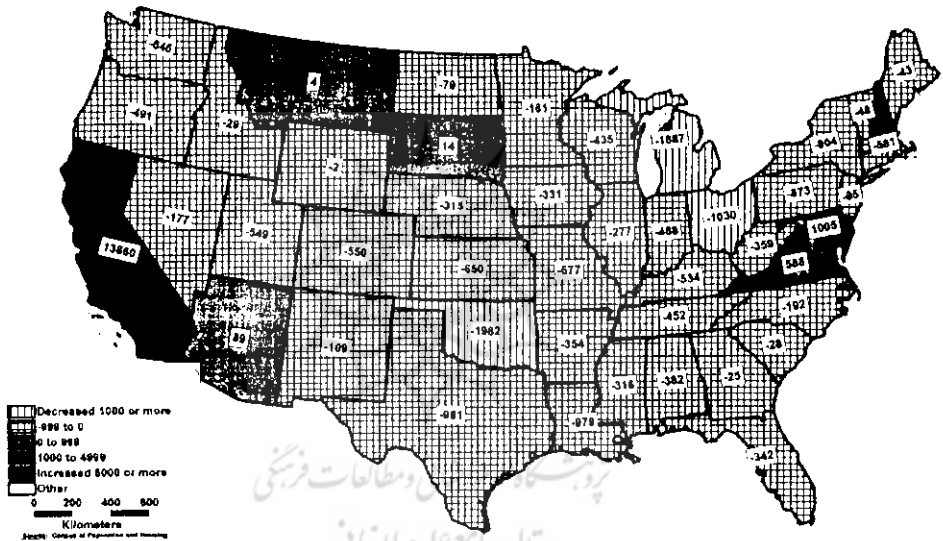


شکل ۸ تغییرات جمعیتی ایرانیان در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰

شکل ۹ نتایج این بررسی را نشان می‌دهد. جالب توجه آن که در این نقشه دیده می‌شود که شمار قابل توجهی از ایرانیانی را در خود جای داده‌اند که پیش از سال ۱۹۸۰ به امریکا آمده‌اند. این دو منطقه عبارتند از کالیفرنیا، و محدوده اطراف واشنگتن دی.سی (یعنی ویرجینیا و مریلند). مطلب دیگر آن است که ایرانیان مهاجر، قبل از ۱۹۸۰، حتی از ایالت‌هایی نظیر نیویورک و تگزاس به مناطق دیگر کوچ کرده‌اند و این مسأله در تأیید نکاتی است که پیشتر در این مقاله ذکر شد: (۱) ایرانیان سالمندتر مناطق دانشگاهی (اکلاهما، میسیگان، و اوهایو) را



ترک کردند. ۲) کاهش شمار ایرانیان در دو ایالت نیویورک و تگزاس را، که بخش بزرگی از ایرانیان را در خود جای داده بودند، می‌توان به میزان بالای جایگزینی ایرانیان نسبت داد. این مسایل دلالت دارد درحالی‌که ایرانیان سالمندتر این ایالت‌ها را ترک می‌گویند، مهاجران ایرانی تازه وارد جایگزین آن‌ها می‌شوند. پرسش این است که آیا این تفاوت منفی و کاهش شمار ایرانیان، می‌تواند شبکه ارتباطی و روابط متقابل قومی میان آنان را تضعیف کند؟ پاسخ به این پرسش را می‌توان در مطالعات قوم‌نگاری آینده جستجو کرد.



شکل ۹ جابه‌جایی ایرانیان مهاجر در سال‌های قبل از ۱۹۸۰

در عین حال پیداست که با ثبات‌ترین تجمع قومی ایرانیان مهاجر را می‌توان در کالیفرنیا و منطقه بزرگ واشنگتن دی.سی یافت. گرچه درباره منطقه وسیع لس‌آنجلس بیشتر صحبت شد، لازم است درباره پیدایش منطقه جدید تجمع پایدار ایرانیان یعنی واشنگتن دی.سی به اختصار صحبت شود. این شهر در مقام پایتخت کشور با امکانات آموزشی و شغلی بسیار، قادر بوده است تا جمعیت بسیاری از ایرانیان مهاجر را به خود جلب کند. در خلال دوره ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۳، بیش از ۱۶۰۰۰ ایرانی مناطقی از دی.سی (ناحیه کلمبیا District of Columbia) و بالتیمور

را به عنوان اقامتگاه خود برگزیدند. در حالی که تجمع‌های بالای موجود در کالیفرنیا در این ناحیه دیده نمی‌شود، داده‌های اداره مهاجرت و تابعیت نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳، در هریک از ۳۳ ناحیه این منطقه بیش از ۱۰۰ ایرانی ساکن شده‌اند. دامنه این نواحی از بتسدا Bethesda شروع و تا فرفکس Fairfax و فالزچرچ Falls Church ادامه می‌یابد. این نواحی از نظر ساختار جمعیتی شناختی با نواحی واقع در لس آنجلس تفاوت دارد. گرچه نواحی موجود در دی.سی از نظر امکانات شهری در سطح بسیار خوبی قرار دارند، تمرکز جمعیتی آن‌ها تقریباً معادل نصف تمرکز جمعیتی نواحی لس آنجلس است که جوامع بزرگ ایرانی را در خود جای داده. در این نواحی بخش عمده‌ای از ایرانیان مالک منازل مسکونی خود هستند. افزون بر این، منازل مسکونی نواحی دی.سی بسیار تازه‌سازتر از منازل نواحی لس آنجلس است (یعنی سال میانه ساخت آن‌ها در دوره زمانی سال‌های بین ۱۹۴۸ تا ۱۹۸۷ است. در حالی که میانه ساخت منازل در ناحیه لس آنجلس بالاتر از ۱۹۷۴ نیست نکته دیگر آن‌که در نواحی واقع در دی.سی، متوسط درآمد سرانه پایین‌تر از لس آنجلس (یعنی ۲۵۶۷۹ دلار در دی.سی در برابر ۲۷۹۹۸ دلار در لس آنجلس) است. تمامی این متغیرها حکایت از آن دارد که ایرانیان در بخش‌های حومه‌ای این نواحی سکونت دارند. محله‌های خاص ایرانیان مهاجر در این نواحی کمتر به چشم می‌خورد، به‌ویژه آن‌که شمار کل ایرانیانی که طی سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۳ تمایل به سکونت در این ۳۳ ناحیه داشته‌اند، براساس داده‌های اداره مهاجرت و تابعیت، ۶۵۸۲ نفر گزارش شده‌است. با این حال نواحی سالانه بین ۷۰۰ - ۴۰۰ ایرانی را به خود جذب کرده‌اند. این رقم در طی زمان به‌صورتی چشمگیر یکنواخت مانده است. در ناحیه لس آنجلس الگوهای رشد شتاب بسیار بیشتری داشته‌است. بدین معنی که در سال ۱۹۸۳ با ۸۰۰ نفر شروع شد و تا سال ۱۹۹۳ به ۳۰۰۰ نفر رسید. با مقایسه این دو محل، می‌بینیم که تمرکز مهاجران ایرانی در سال‌های پیش از ۱۹۸۰ در این دو ناحیه بالاتر بوده‌است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که دو ناحیه لس آنجلس و دی.سی اقامتگاه دو زیرگروه متمایز از مهاجران ایرانی بوده‌است. بدین معنی که ویژگی‌های رشد تجمع ایرانیان در لس آنجلس بیانگر پیوستن دوباره اعضای خانواده و روابط درون‌گروهی، به‌ویژه در مورد اقلیت‌های مذهبی است که ترک وطن کرده‌اند. در نتیجه حضور گروه‌های بزرگ قومی ایرانیان مهاجر را در این ناحیه می‌توان دید. از سوی دیگر ایرانیان

ساکن در ناحیه دی. سی دارای مشاغل تخصصی ویژه طبقه متوسط هستند و از نظر قومی کم رنگ‌تر، اما از نظر ترکیب اقتصادی حضوری چشمگیرتر در سطح کل جامعه دارند. برای مثال، در سال ۱۹۹۳، ۲۸/۹٪ تمامی ایرانیان مهاجر ساکن کالیفرنیا بیکار یا بازنشسته بودند، که نشانگر الگوهای قومی و پیوستگی خانوادگی است، اما در مقایسه تنها ۱۴/۶٪ ایرانیان مهاجر ساکن مریلند و ۱۲/۴٪ ایرانیان ساکن ویرجینیا در چنین وضعیتی قرار داشتند. در این مورد جامعه ایرانیان مقیم ویرجینیا به تدریج به پایه ایرانیان ساکن کالیفرنیا می‌رسند. با این حال، ایرانیان مهاجر ساکن ویرجینیا حضوری گسترده‌تر در مشاغل خدماتی دارند تا هم‌تایان آن‌ها در لس‌آنجلس. از نظر تفاوت‌های ناحیه‌ای، به نظر می‌رسد در حالی که ناحیه مریلند، جاذبه‌های آموزشی و مشاغل تخصصی برای ایرانیان دارای تحصیلات بالا فراهم می‌آورد، ویرجینیا نیازمندی‌ها و شرایطی را برای مهاجران می‌سازد که لازمه تشکیل و حضور قومی مشخص است. بدین ترتیب، پیوستگی جغرافیایی این ایالت‌ها به ایرانیان ساکن در این ناحیه امکان می‌دهد تا از مجموعه فرصت‌های شغلی همچون ایرانیان مقیم لس‌آنجلس بهره‌مند شوند.

گرچه جوامع ایرانی پرسابقه در آمریکا در دهه ۱۹۸۰ رشد یافت، ایرانیان در شماری از دیگر ایالت‌های آمریکا که فاقد جوامع پیش تشکیل یافته بودند نیز سکناگزیدند. این عده را عمدتاً مهاجران تازه وارد تشکیل می‌دادند. به جز ایالت‌های جنوبی چون وایومینگ Wyoming و دلاور Delaware، تمام ایالت‌های دیگر بیش از ۳۰٪ جمعیت ایرانی، خود را از مهاجران دوره پس از بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا جذب کرده‌اند. در ایداهو Idaho، از تعداد ۲۵۶ ایرانی ۵۲/۵٪ آن‌ها پس از ۱۹۸۰ به آمریکا وارد شده‌اند. این مسأله همچنین در مورد داکوتای شمالی North Dakota، ایووا Iowa، ایندیانا Indiana، مین Maine، صادق است. بدین معنی که بیش از نیمی از جمعیت ایرانی این ایالت‌ها را مهاجران سال‌های پس از ۱۹۸۰ تشکیل می‌دهند. در حالی که جوامع ایرانی این ایالت‌ها به طور نسبی کوچک است، به طور کلی حضور ایرانیان در آن‌ها به دو علت بستگی دارد. عده‌ای از دانشجویان ایرانی پس از پایان دوره تحصیلات دانشگاهی در همان شهری که تحصیل می‌کردند کار پیدا کردند و در آن‌جا ماندگار شدند. دوم آن‌که خانواده‌های این افراد در همان شهر به آنان پیوسته‌اند و در نتیجه آنان نیازی به مهاجرت دوباره و پیوستن به خانواده نداشته‌اند.

اکنون پرسش این است که آیا مهاجران ایرانی به پایان دوره اقامت موقت خود نزدیک می‌شوند و واقعیت‌های مهاجرت را پذیرفته‌اند؟ پاسخ این است که این امکان وجود دارد، به ویژه آن‌که با لافتن شمار ایرانیان متولد آمریکا، و در نتیجه ادغام بالقوه آنان در جامعه آمریکا نیاز به پیوستگی به یک جامعه قوی را در آنان برطرف می‌کند. با این حال، پیداست که با گذشت زمان، ایرانیان نیز همچون دیگر مهاجران، به آنچه کریسپینو Crispino دو گروه متفاوت هم‌گرایان و واگرایان می‌نامد، تقسیم می‌شوند. در حالی که گروه نخست همچنان می‌کوشد تا با جامعه ایرانی پیوند و ارتباط برقرار کند، گروه دوم تلاش دارد از جامعه‌ای که به آن تعلق داشته است و پای‌بندی‌های اجتماعی آن دو، با محیط و اجتماع جدید همگون شود. نتیجه این دسته‌بندی پیدایش الگوهای دوگانه تجمع‌های گروهی در یک یا چند منطقه و نیز پراکندگی گروه‌های کوچکتر به بخش‌های دیگر کشور خواهد بود. بدین ترتیب گروه همگرا به دفاع و حفظ میراث فرهنگی ایرانی می‌پردازد و تجمع مکانی متمرکز آنان مانع همگونی افراد با محیط و فرهنگ بیگانه می‌شود، در حالی که در مورد گروه واگرا چنین نیست. با این حال چنین شرایطی در مورد جمعیتی که وضعیت اقتصادی - اجتماعی آن از جمله تحصیلات دانشگاهی افراد موجب شده است تا با سرعتی بیش از حد معمول در اجتماع جدید پذیرفته و ادغام شوند، همخوانی ندارد.

### نتیجه

تا هنگام انقلاب اسلامی ایران در سال‌های ۱۹۷۹ - ۱۹۷۸، شمار وسیعی از دانشجویان ایرانی شرایط پیدایش یک جامعه ایرانی را در ایالات متحد آمریکا فراهم آورده بودند. افزون بر آن در سه سال پیش از انقلاب، شمار ایرانیانی که از آمریکا دیدار کردند به صورتی چشمگیر بالا رفت که نشانگر علاقه‌مندی آنان به اقامت در این کشور بود.

پراکندگی جغرافیایی اولیه ایرانیان در آمریکا به واقع نشانگر اهمیت دانشگاه‌ها و مدارس عالی در جذب دانشجویان ایرانی است. تا سال ۱۹۸۰ مهم‌ترین محل‌های تجمع آنان در جنوب کالیفرنیا، تگزاس و در سواحل شرقی کشور، با شمار و نوع دانشگاه‌های موجود در هر منطقه رابطه مستقیم داشت. در خلال سال‌های دهه ۱۹۸۰، دانشجویان ایرانی دوره زندگی شغلی

خود را آغاز کردند و خانواده‌های آنان نیز در آمریکا به آنان پیوستند و بدین ترتیب تغییری به‌سوی تشکیل تجمع‌های بزرگ ایرانی در برخی نقاط آمریکا صورت گرفت. این شکل‌گیری همچنین با ورود ایرانیان تبعیدی در اواخر دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ قوت بیشتری یافت. تا سال‌های دهه ۱۹۹۰ جغرافیای الگوهای سکونتی ایرانیان نمایانگر فرایندی است که با پیوستن دوباره افراد خانواده و جستجو برای موقعیت‌های شغلی تداوم می‌یابد. نتیجه نهایی این فرایند، تشکیل تجمع بزرگی از ایرانیان در کالیفرنیا است که نیمی از تمام ایرانیان مهاجر را در خود جای می‌دهد. نتیجه چنین تحولاتی این است که تا سال ۱۹۹۰ بخش اصلی لس‌آنجلس به تنهایی یک چهارم تمام ایرانیان مقیم آمریکا را جذب می‌کند.

تقریباً دو دهه پس از انقلاب اسلامی ایران، نسل جدیدی از ایرانیان در آمریکا در حال رشد است و به‌زودی هسته یک جامعه قومی متشکل را به وجود خواهد آورد. آمارهای سال ۱۹۹۰ نشان می‌دهد که تقریباً یک چهارم (۷/۲۰٪) کل ایرانیان مقیم آمریکا، یا در آمریکا متولد شده‌اند یا در کشور دیگری خارج از ایران (۳/۳٪). این افراد امریکاییان ایرانی تبار هستند که از والدین مهاجر به دنیا آمده و اهداف درازمدت زندگی خود را براساس موقعیت‌ها و موانع موجود در ایالات متحد شکل داده‌اند. برای این گروه که در محیطی خارج از کشور پدران و مادران خود متولد شده و رشد یافته‌اند، جوامع ایرانی موجود در آمریکا و نیاز به بقا و ادامه زندگی، براساس شرایط و بافت اجتماعی موجود شکل می‌پذیرد نه خاطرات والدین‌شان از ایران یا نیازهای سیاسی اجتماعی و فرهنگی خود آن‌ها. آینده الگوهای سکونتی ایرانیان مقیم آمریکا تا حد زیادی به این مسأله بستگی دارد که این امریکاییان ایرانی تبار تا چه اندازه به میراث فرهنگی اجتماعی سرزمین مادری خود پای‌بند باشند یا به پیوستن و ادغام در اجتماعی بیندیشند، که در آن متولد شده‌اند. در هریک از این دو حال، شهرهایی چون لس‌آنجلس تا سال‌های متمادی، هسته اصلی جامعه ایرانیان در آمریکا باقی خواهد ماند.

## منابع

- 1 - Askari Hossein, John T : Cummings, and Mehmet Isbudak, "Iran's Migration of skilled Labor to the United States", *Iranian Studies* 10, 1977 : 3 - 35.
- 2 - Bozorgmehr and Georges Sabagh : "High Status Immigrants : a Statistical Profile of Iranians in the United States" *Iranian studies* 21 1988: 5 - 35 .
- 3 - Crispino, James A : "The Assimilation of Ethnic Groups : The Italian Case (New York) Center for Migration Studies, 1980.
- 4 - Immigration and Naturalization Service, 1992 Statistical yearbook (Washington D.C.: Government Printing office, 1992.
- 5 - Modarres, Ali : *Ethnic Community Development : An Ecological Perspective on Iranians in Los Angeles'* (ph.D Dissertation, University of Arizona,) 1990.
- 6 - The "Foreign Born Population" data set is published by the Census Bureau separately under subject Tape File (SSTFL - CD90SSTF01).

